

سند داخلی برای هیات دائم حزب
کمونیسست کارگری توسط کورش
مدرسی، رئیس وقت دفتر سیاسی،
نوشته شده است

در باره قطعنامه و بیانیه

کورش مدرسی

رفقا

در مورد قطعنامه و بیانیه ای که رفیق حمید نوشته است من نظرم را قبلا با ارائه خطوط یک قطعنامه آلترناتیو طرح کردم. با خواندن ورژن دوم قطعنامه و بیانیه و همچنین بحث هائی که حول آن صورت گرفته است امروز معتقدم که قطعنامه پیشنهادی من مساله را به صراحت لازم مطرح نمیکند و قطعنامه پیشنهادی رفیق حمید هم نه تنها به صورت مساله ای که من داشتم جواب نمیدهد بلکه به آن ضرر میرساند و بعلاوه ابزار خاصی به حزب برای تعرض هم نمیدهد. در مورد صورت مساله مورد بحث منم هم با نظر رحمان موافقم که میگوید در خلال بحث هائی که میشود به صورت مساله های مختلفی جواب میدهیم. در نتیجه بحث حول قطعنامه و بیانیه قبل از روشن شدن این صورت مساله و قبول یا رد آن از جانب دفتر سیاسی کارساز نیست. مساله را نمیشود دور زد. باید اول روشن کرد که به چه چیز جواب میدهیم تا بعد بتوانیم در مورد جوابهای مختلف به این صورت مساله بحث روشن تری داشته باشیم.

صورت مساله چیست؟

من هم در بحث پلنوم و هم در بحث های بعدی به وجود یک مساله ناروشن در سیاست امروز حزب اشاره کردم. به این مساله نام استراتژی، تاکتیک و خلاء دادیم که خود نام به موضوع مورد بحث و تجزیه و تحلیل تبدیل شده است. اما بهر صورت و با هر تیزی من معتقد بوده و هستم که حزب کمونیسست کارگری آمادگی فکری و عملی ورود به دوران بشدت پیچیده سرنگونی جمهوری اسلامی و بخصوص بعد از آن را ندارد. فاکتورهای آنرا نمیشناسد، قدرت و ضعف حزب را متوجه نیست و تصویر روشنی از پروسه قدرت گیری حزب و استقرار حکومت سوسیالیستی را ندارد. این اوضاع تازه است و جوابهای تازه، و بقول مینا بدیع، از ما میخواهد. قبلا موقعیت کنونی دور بود و صورت مساله

در این چهارچوب موضوعیت نداشت و ما در مورد امکان و مطلوبیت قدرت حزب و لانسسه کردن حزب و غیره بحث میکردیم. امروز حرکت بسمت قدرت در دستور قرار گرفته است. این راه را باید شناخت و پیچ و خم های آنرا روشن کرد. از نظر من پاسخ به این مساله بعد ماکرو سراسری، بعد تشکیلات شهر، بعد کردستان، بعد خارج کشوری و بعد تبلیغاتی و حتی نتایج تبعی در مورد ساختمان حزب و رابطه آن با شوراها و غیره دارد. من نتوانستم چه در پلنوم و چه بحث های بعدی توجه دفتر سیاسی و رهبری حزب را به این مسائل جلب کنم.

در مقابل طرح بحث از ابتدا یک نظر این بود که اصولا مساله مهم جدیدی در مقابل ما نیست که جواب به آن ناروشن باشد. این نظر، فکر میکنم در مقابل بحث هائی که شد به این رضایت داد که اگر در بیرون از ما هم مساله ای وجود نداشته باشد در درون حزب، لاقلا در درون دس هست هرچند ممکن است واقعی نباشد بنابراین رضایت داد که با کمترین لطمه و ورود عنصر جدید در سیاست حزب تصویب یک قطعنامه و صدور یک بیانیه را بپذیرد. با این تصور که این گرهگاه را پشت سر میگذاریم و به مسائل مهمتر میرسیم. بنظر من شاخص این موضع رفتن سراغ این بحث از موضع اتخاذ یک تاکتیک تبلیغاتی علیه جریان راست در بحث فراندن بود. نباید لازم به توضیح باشد که در هر تبیینی از مساله و در هر راه حلی خنثی کردن تاکتیک های جناح راست باید یکی از نتایج باشد این فاکتور را نمیشود حذف کرد و بحث من هم این نیست. جدال ما بر سر قدرت با جناح راست است. در بحث من خنثی کردن تاکتیک جناح راست یکی از نتایج است و نه نقطه شروع آن. اگر پیروسه سر راست نزدیک کردن حزب به قدرت و تصرف آن مبنای حرکت باشد آنوقت باید مولفه هائی که تصرف قدرت توسط حزب را تسهیل یا سخت میکند و چگونگی هم معنی شدن تصرف قدرت توسط حزب با تثبیت برنامه سوسیالیستی آن و غیره صحبت کرد. بحث بر سر سناریو سازی، آنطور که رفیق حمید میگوید، نیست. کسی غیب گو نیست. اما استراتژین یا تاکتیسینی که نتواند فاکتورهای عینی و نیروهای اجتماعی مخالف و موافق، نقاط قدرت و ضعف و راه فائق آمدن بر آنها را نشان بدهد، تحول اوضاع را به سیر خودبخودی انقلاب، شوراها، و حتی حزب، موکول میکند. چنین استراتژین و یا تاکتیسینی یک آژیتاتور باقی میماند. باید تصویری از نبرد روبرو داشت و راه پیشرفت را نشان کرد. این ربطی به سناریو سازی ندارد. باید مولفه های عمومی تحول اوضاع را دید. اینکه همه چیز باز است و همه چیز ممکن است و تازه سندی که امروز تصویب میکنیم را بعدا باید دور بریزیم و کار دیگری بکنیم جواب نیست. تئوریزه کردن گيجی است. نداشتن یک تصویر روشن از گرداب سیاسی که وارد آن میشویم میتواند حزب را به ماجراجویی و یا پاسیویسم (از دست دادن فرصت ها و تقلیل به حزب آژیتاتور-مروج) بکشد که بنظر من هردو محتمل و بلحاظ محتوا دوروی یک سکه هستند.

در مقابل بحث من، موضع رفیق حمید، یک موضع وسط و التقاطی است. رفیق حمید در بحث آخرش با مصطفی، که من بخشی از ایراداتش به بحث مصطفی را قبول دارم، صورت مساله را رسماً از سر تبلیغاتی مطرح میکند. گویا اقعان مردم به "مردم سالار بودن" ما از یک پروسه تبلیغاتی ناشی میشود. در نتیجه قطعنامه پیشنهادی او به اینکه مجری حقوق پایه مردم و برپا کننده مجمع نمایندگان شوراها کیست جواب نمیدهد. احزاب سیاسی را در این موقعیت قرار میدهد. من در طرح پیشنهادی، اشاره کرده بودم که یکی از محورهای انتقاد به طرح رفراندم و مجلس موسسان این است که ارگان اجرا یا اجلاس آنرا مسکوت میگذارد. همین سوال از طرح ما هم هست. این حقوق مردم را چه کسی باید تضمین کند؟ حکومت حزب کمونیست کارگری؟ حکومت بورژوازی راست؟ جمهوری اسلامی؟ حزب دمکرات؟ کومه له، شوراها؟ چگونه؟ احزاب سیاسی ارگان تضمین حقوق سیاسی مردم نیستند. حکومتها این کار را میکنند. جواب از نظر من همان دولت موقت است. با جانشین کردن دولت با احزاب سیاسی بنظرم حزب کمونیست کارگری میدان حل و فصل شدن قدرت را ول میکند و در حیاط کوچک اپوزیسیون احزاب اصلی جامعه خود را تصویر میکند، تصویر کوچک و اپوزیسیونی از خود میدهد این در جدالی که پیش رو داریم مضر است. نتایج چنین تاکتیکی همین امروز در کردستان معنی بلاواسطه خطرناکی برای ما دارد. میدانم که اینهایی که گفتم خیلی تلگرافی هستند اما باز کردن کل بحث در این قالب نه ممکن است و نه مفید. از یک در کوچک وارد یک بحث اساسی تر نمیشود شد.

در جلسه قبل دفتر سیاسی تصور من این بود که میشود این بخش از بحث را جدا کرد و آنرا به سرانجام رساند. اما قطعنامه های پیشنهادی و بحث هایی که در این مورد صورت گرفت من را متوجه کرد که اشتباه کرده بودم. در نتیجه من این نوع رفتن سراغ مساله و تصویب قطعنامه را درست نمیدانم. این قطعنامه حتی در همین سطح محدود هم جواب مساله ای که من امروز در مقابل حزب میبینم را نمیدهد، به ضرر آن است و راستش همانطور که گفتم به اتخاذ یک سیاست درست در این شرایط لطمه میزند. در نتیجه نظرم این است که قطعنامه و بیانیه از دستور خارج شود تا بحث مفصل تری انجام شود. واقعیت را نمیشود دور زد و بر مبنای یک مخرج مشترک نمیشود جلو رفت. در این رابطه من از رفیق فاتح شیخ تقاضا کرده ام که در اولین فرصت ممکن به من امکان دهد تا در سمینار مرکزی بحثم را از اول تا آخر با همه اعضا و جوارحش مطرح کنم و ضمن آن به نگرانی های و ملاحظاتی رفقا هم جواب بدهم. رفیق فاتح با تاریخ ۹ نوامبر توافق کرده است. خواستم توضیح دهم که، همانطور که در جلسه قبل دفتر سیاسی اشاره کردم، بحث از نظر من باز است و میخواهم آنرا با رهبری حزب در میان بگذارم.